قرار بده در دایره عدد مناسب. «یک کلمه اضافی است.»

اَلتَّمْرينُ الرّابِعُ: ضَعْ فِي الدّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُناسِبَ. «كَلِمَةٌ واحِدَةٌ زائِدَةٌ.»

مسجد	١ــ اَلْمَسجِدُ
زردآلو	٢ــ اَلْمِشمِشُ
چشمه	٣ــ اَلْيَنبوعُ
مرگ	٤ــ اَلْمَوتُ
شب	٥ــ اَللَّيلُ
کلاس	٦ــ اَلصَّفُّ

(٦) يَدْرُسُ فيهِ الطُّلّابُ. درس می‌خوانند در آن دانش‌آموزان.
(٣) عَينُ الْماءِ وَ نَهرٌ كَثيرُ الْماءِ. چشمهٔ آب و رودخانهٔ پرآب.
(٢) فاكِهَةٌ يَأكُلُها النّاسُ مُجَفَّفَةً أَيضاً. میوه‌ای که می‌خورند آن را مردم به صورت
(١) بَيتٌ مُقَدَّسٌ لِأَداءِ الصَّلاةِ عِندَ الْمُسلِمينَ. خانه‌ای مقدس برای انجام نماز نزد مسلمانان
(٥) اَلْوَقتُ الْمُمتَدُّ مِن مَغرِبِ الشَّمسِ إلىٰ طُلوعِ الْفَجرِ. زمان بین شب از غروب خورشید تا طلوع سپیده دم.

کلمهٔ «الموت» اضافی است.

اَلتَّمْرينُ الْخامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِماتِ الْمُتَرادِفَةَ وَالْمُتَضادَّةَ. = ≠

پایین آوردن شد جشن بالابرد بالارفتن شد جشنواره پایین آمدن

أَنزَلَ / أَصبَحَ / حَفلَة / رَفَعَ / صُعود / صارَ / مِهرَجان / نُزول

أَنزَلَ ≠ رَفَعَ / أَصبَحَ = صارَ / صُعود ≠ نُزول / حَفلَة = مِهرَجان

قرار بده در جای خالی فعلی مناسب را.

اَلتَّمْرينُ السّادِسُ: ضَعْ فِي الْفَراغِ فِعلاً مُناسِباً.

پس صبر کن همانا وعدهٔ خداوند حق است و آمرزش طلب کن برای گناهت.

١ــ ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعدَ اللهِ حَقٌّ وَ ..... لِذَنبِكَ﴾ غافر: ٥٥

اگر خداوند بخواهد پس دانش‌آموخته خواهیم شد در هفت سال ما از امروز به پایان دوسال.

٢ــ إن شاءَ اللّهُ فَسَوفَ ..... كُلُّنا مِنَ الْمَدرَسَةِ بَعدَ سَنَتَين.

خدای من پرورده شده است امید من از خلق در جایی که تو امید من هستی.

٣ــ إلٰهي قَدْ ..... رَجائي عَنِ الْخَلقِ، وَ أَنتَ رَجائي.

دوستم برای برگشتن به خانه منتظر پدرش می‌شد.

٤ــ كانَ صَديقي ..... والِدُهُ لِلرُّجوعِ إلَى الْبَيتِ.

من و همکلاسی‌ام دریافت کردیم نامه‌هایی را از طریق اینترنت.

٥ــ أَنا وَ زَميلي ..... رَسائِلَ عَبرَ[1] الْإِنتِرنِت.

پس بگیر	اِسْتَرْجِعْ	اِسْتَغفِرْ	آمرزش طلب کن
دانش‌آموخته می‌شوم	نَتَخَرَّجُ	تَخَرَّجْنا	دانش‌آموخته شدیم
بریده شدم	اِنْقَطَعْتُ	اِنْقَطَعَ	بریده شد
منتظر می‌شود	يَنتَظِرُ	يُصَدِّقُ	باور می‌کند
دریافت کردیم	اِستَلَمْنا	اِسْتَلَمْتُ	دریافت کردم

١ــ عَبرَ: از راهِ